پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۲۴-سال دوم دوشنبه ۱۷ سنبله ۴۸ ۸ سپتامبر ۶۹، شماره مسلسل ۷۶

پیشآمد در برابر زندانیان افغانستان

خلاف کرامت انسانی است

محابس در کشور ما چه در مرکز و چه در ولایات و ولسوالی ها گورستان‌های را مانندند که زنده به گوران سیه روز مخوف‌ترین روش‌های قرون وسطایی را بنام زندانی در آن‌ها تحمل می‌کنند. فیصدی قابل ملاحظه زندانیان یا بی‌گناه اند و یا به جرم کوچکی برای مدت‌های طولانی به زندان افگنده شده‌اند در حالی که مجرمین واقعی و جنایتکاران معلوم‌الحال که در اثر جنایات مکرر خطیر خویش دوسیه‌های متعدد جنائی و جزائی دارند بازهم آزادانه به جنایات تازه‌ای دست می‌زنند.

در پشت دیوارهای بلند و ضخیم زندان‌ها دنیایی از بیداد، وحشت، ستم، استبداد و استثمار جابرانه ای برپاست. زندانیان نگون بخت روز تا شام در پشت کارگاه‌های بافندگی، بوت دوزی، قالین بافی، گلیم بافی، خیاطی، بنیان بافی، نجاری، چرمگری عرق می‌ریزند و یا بکار ساختمانی گلکاری، سنگی شکنی و غیره می‌پردازند و بشدت مورد استثمار و بهره کشی قرار می‌گیرند. این اعمال اجباری غالباً بدون مزد یا در برابر مزد فوق‌العاده ناچیز و یا در اذاء قرص نان سیاه بر آن‌ها تحمیل می‌شود. آن‌ها شب و روز بکار کشانیده می‌شوند، کار جبری، کار توان‌فرسا، کار حوصله شکن و بدون مزد یا بسیار کم مزد حاصل رنج، کار و زحمت کارگران زندانی مورد حیف و میل و اختلاس قرار می‌گیرد. کار شباروزی، عرق ریزی مداوم تحمل گرما، سرما، برهنگی، گرسنگی هجوم بیماری‌های کشنده و هولناك چون توبرکولوز، همای لکه دار و غیره بعلاوه لت و کوب، فحش و دشنام‌های رکیک و غلیظ، هتك حرمت، تحقیر و رنج بی‌پایان همه دست به دست هم داده و این انسان‌های تیره بخت را به زندگی‌ای که چیزی جزء مرگ تدریجی نیست محکوم ساخته است.

در زندان‌های عمومی تعداد زیادی از زندانیان فقط در یکی از سلول‌های نمناك، سیاه و کثیف روی زمین سخت می‌خوابند، طوری که حتی جای دراز کردن و پهلو گشتاندن را هم ندارند. اتاق‌های که تعداد افراد آن‌ها کمتر باشد و یا اتاق‌های یکنفری فقط به زندانیانی تعلق می‌گیرد که رشوه بدهند. معمولاً به زندانیان پولدار اجازه داده می‌شود که شب‌ها از زندان خارج گردند، در حالی که زندانیان فقیر و تهیدست از ملاقات دوستان خویش محروم‌اند.

وضع محابس زنانه بدتر از محابس

(ص ۳)

پروگرام‌های تعلیمی معارف و پوهنتون باید اصلاح گردد

سیستم اجتماعی - اقتصادی فرتوت فئودالی افغانستان مانع تغییر و تکامل سطح فرهنگی و معارف کشور مانند ده‌ها و صدها مسأله اساسی و حیاتی دیگر مردم ما بجهت مترقی گردیده است.

پروگرام‌های درسی در مکاتب، لیسه ها و پوهنتون‌ها بر منوال چندین ده سال قبل مانده، کهنه و با حفظ ماهیت ارتجاعی آن باقیمانده است. پروگرام‌های تعلیمی من‌حیث‌المجموع در افغانستان فاقد محتوی علمی بوده و با پیشرفت‌های عظیم علمی و فرهنگی در جهان و ترقیات بزرگ تکنالوژی عصر ما تطابق ندارد که در نتیجه به رشد فکری و نیروی ذهنی جوانان ما کمك شایان و با ثمری نمی‌تواند انجام دهد. این پروگرام‌های کهنه که از سطح دانش و فرهنگی تکامل یافته مترقی جهانی روز فاصله می‌گیرد نه تنها پاسخگوی خواست‌های معنوی جوانان دانش آموز ما نیست و عطش علمی آن‌ها را فرو نشانده نمی‌تواند بلکه باعث دلسردی و دلزدگی آن‌ها می‌گردد.

همچنین بسط و توسعه نفوذ استعمار فرهنگی کشورهای امپریالیستی در معارف کشور، عقد قراردادهای مشکوك توأمیت با مؤسسات «علمی» کشورهای امپریالیستی، هجوم بیش از پیش گروه‌های معلوم‌الحال امپریالیستی بنام خدمتگاران «صلح» و مداخله همه جانبه ایشان در معارف کشور، سپردن امور عمده و اساسی معارف و تعلیم و تربیه در کشور به دست معلمان و استادان و مشاوران مربوط به کشورهای امپریالیستی که حامل نظرات کهنه منسوخ امپریالیستی ضد ترقی و تکامل جامعه‌اند و غالباً پروگرام‌های درسی و تعلیمی توسط این‌ها و مؤسسات مربوطه‌شان روی ملحوظات خاص نو استعماری‌شان ترتیب می‌گردد مانع عمده در راه ایجاد و رشد فرهنگ و معارف ملی و مترقی می‌باشد و موجب می‌گردد که ابتکار و خلاقیت شاگردان و معلمان در چهار چوب این پروگرام‌های «مطول» و «ضخیم» سلب گردد و ایشان به ماشین‌های افسانه گوی مبدل شوند.

در مکاتب و مؤسسات علمی لابراتوارها و آزمایشگاه‌های علمی به حیث.... آموزش علوم طبیعی بشمار... و همچنان کتابخانه‌ها یا موجود نیست و اگر هم است با تجهیزات و وسایل ناقص و کهنه و غیرقابل استفاده.

این‌همه نابسامانی‌ها و مسایل تأسف در امور معارف و فرهنگی کشور ایجاب می‌نماید تا برای معرفی و تعمیم فرهنگ و دانش مترقی بر پایه شرایط و مقتضیات نوین و ملی مبارزهٔ پیگیر صورت گیرد تا در پروگرام‌های درسی و تعلیمی کشور مطابق به واقعیات نوین علم و فرهنگی مترقی تغییراتی وارد گردد، نفوذ استعمار فرهنگی از جامه ما برچیده شود، به تسلط فرهنگ عقب مانده فئودالی پایان داده شده و راه برای رشد دانش مترقی و فرهنگی شگوفان ملی، خلقی و نوین باز گردد.

ح. کیهانی

د خپل هیواد افغانستان

د خلکو د اجتماعی ترقی او عمومی رفاه د پاره زمور عادلانه جګړه

د افغانستان دموکراتیك قووه د خلك په وړاندی زمور په وطن کی د عادلانه آزادی بښونکی ملی او دموکراتیکی جګړی په برابر کی د سولی، ملي خپلواکی، دموکراسی، اجتماعی ترقی او عمو می رفاه هدفونو واقع دی. د سولی، ملي خپلواکی او دموکراسی په باره کښی مور پخوا دیر بحثونه کړی دی. اوس د اجتماعی ترقی او د خلکو د عمومی رفاه دوه ګونی هدفونه تر بحث لاندی نیسو او د دغو دوو هدفونو له لنډ علمی توضیح سره، د هیواد په موجوده نظم باندی علمی انتقاد کوو.

پخوا لدی چه په پورتنیو دوګونو بحثونو پیل وکړو باید یوه پلا بیا یادونه وشي چه د افغاني ټولنی په اوسنیو شرایطو کښی د اجتماعی ترقي او عمومی رفاه هدفونو ته رسیدل، بی د یوه سوله ایز سیاست له پیروی او د ملي خپلواکی کامل (استقرار سیاسی او اقتصادی) او د دموکراسی ټینګولو او په یوه جبهه کښی د ټولو ترقي غوښتونکو او وطنپالو قوتونو د یوه دموکراتیك او ملی حکومت جوړولو څخه پرته ممکن ندی، ځکه چه:

۱- سوله زمونږ او د نړی د ټولو خلکو لپاره یو حیاتی امر او د ملي خپلواکی د تأمین او دموکراسی د تعمیم لپاره خورا لوی ضرورت شمیرل کیږی.

۲- ملي خپلواکی (سیا سی او اقتصادی) زمونږ د ملی ټولنی د رشد او تکامل ټول اړخیز او سالمه زمینه برابروی، له دی کبله د ملي خپلواکی ټینګول تر هرڅه لومړی د یوه ملی دولت جوړول غواړی.

۳- واقعی دموکراسی چه د حکومت یو شکل دی، د وګړو د استعدادونو د راژوندی کولو او له بیروکراتیزم او استبداد څخه د مخنیوی لپاره خورا مساعد شکل دی.

بازهم نکاتی چند راجع به

تجارت خارجی و محکومیت حکومت‌های وقت

تجارت کشور ما به رکودی که شکل مزمن را به خود می‌گیرد مواجه می‌باشد. قدرت خرید مردم به حد اقل تقلیل یافته است و فقط خانواده‌های محدود ثروتمند است که توان خریداری هرگونه اموال به شمول اجناس تجملی را دارند، پروسه تمرکز ثروت و پول در چند دست محدود مرکب از تاجران بزرگ کمپرادور و قاچاقبران بزرگ متنفذ، به‌سرعت در جریان است. سرعت دوران پول هنوز هم رو به کاهش می‌رود، در بازار محدود کشور وضع عجیبی مستولی است؛ پول کافی در بازار و در دست مردم و جود ندارد و مقدار اموال وارداتی بی لزوم خیلی زیاد است. قیمت‌های اموال و به‌خصوص امتعهٔ استهلاکی وارداتی به‌طور کلی در سطح بلندی که چند سال قبل رسیده بود نه تنها باقیست بلکه تمایل صعودی دارد (باید گفت که فقط قیمت جایدادهای غیرمنقول طی چند سال اخیر سیر نزولی را پیموده است). وضع امتعهٔ ناچیز صادراتی کشور در بازارهای غربی کساد است، عرصه بر عرضه این اموال در بازار جهان سرمایه داری تنگتر می‌گردد و قیم آن‌ها نزول می‌نماید. بر اساس سیستم به‌اصطلاح «مبادلهٔ آزاد» تجارت میان کشورهای سرمایه داری که صنایع رشد یافته دارند و کشور ما که

(ص ۳)

فرزند کبیر خلق

ویتنام درگذشت



کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام، کمیته دایمی ویتنام و شورای وزیران ویتنام باکمال تأسف خبر درگذشت داکتر هوچی من، رئیس حزب زحمتکشان و رئیس جمهور جمهوری دموکراتیك ویتنام را پخش نمود.

خبر درگذشت داکتر هوچی من «وطن‌پرست و انترناسیونالیست بزرگ و شخصیت برجسته جنبش بین‌المللی کمونیستی در سراسر جهان سوسیالیستی، در تمام محافل انقلابی و مترقی جهان و در بین همه نیروهای مبارز راه آزادی ملی و ترقی تأسف و اندوه عمیقی بار آورده است.

دکتر هوچی من فرزند کبیر خلق ویتنام در سال ۱۸۹۰ در ویتنام متولد گردید، تعلیمات ابتدائی خود را در ویتنام تکمیل و برای تحصیلات عالی‌تر به اروپا رفت و از پوهنتون پاریس به اخذ دوکتورای حقوق مؤفق کردید.

داکتر هوچی من در پاریس که در آن وقت مرکز جنبش و مبارزه بود با تیوری مترقی و عناصر انقلابی تماس گرفت.

هوچی من از جمله بنیادگذاران حزب کمونیست فرانسه است.

داکتر هوچی من بعد از جنگ اول جهانی وارد انگلستان شد و در مدت اقامت خود در آنجا شغل عکاسی را اختیار کرد. هوچی من بنا بر فعالیت‌های سیاسی‌اش در فرانسه زندانی گردید و بعد از مدتی از زندان آزاد شد. دکتر هوچی من در عمر ۲۳ سالگی به اروپا و امریکا مسافرت کرد. در سال ۱۹۲۰ به پاریس برگشت و به نشر روزنامه پرداخت و طی مقالات متعددی چهره واقعی استعمار فرانسه را افشاء کرد. جوانان آسیایی را به مبارزه علیه استعمار گران تشویق می‌کرد.

داکتر هوچی من با روح پیکارجویش هدف واقعی خود را نجات ویتنام و تمام آسیا قرار داد و برای رسیدن به این هدف در راه دشوار و خطرناک مبارزه با هوشیاری و عشق به وطن گام نهاد. وی در سال ۱۹۲۴ در پنجمین کنفرانس بین‌الملل سوم اشتراک ورزید و چهرهٔ درخشان آن بود. او مدتی که در مسکو توقف داشت به گنجینه علمی خود افزود.

دکتر هوچی من در سال ۱۹۳۰ حزب کمونیست هند چین را تشکیل داد و در زمانی علیه تجاوزات ملیتاریزم جاپان قیام کرد و در سال

(ص ۴)

ببرک کارمل به سلسله مبارزات

انتخاباتی بیانیه‌ای بروز دوشنبه (۱۷ سنبله) ساعت ۵ بعد از ظهر در پارك زرنگار ایراد می‌نماید

به سلسلهٔ مبارزات انتخاباتی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در حوزه‌های مختلف انتخاباتی کشور، در شهر کابل ببرک کارمل کاندید جریان دموکراتیک خلق افغانستان از آغاز دورهٔ مبارزات انتخاباتی تا کنون با استفاده ازین نوع مبارزه ده‌ها بار در برابر مردم و بخصوص اهالی شریف نواحی ۳ و ۴ قرار گرفته، چه در زیر سقف در حضور جمع غفیری از مردم و چه در بیرون، در چهارراهی‌ها و مراکز عمدهٔ عبور و مرور و تجمع مردم بیانیه‌های مستدل، آزادی‌بخش و پرشور انتخاباتی را ایراد کرده است. در روزهای اخیر میتینگ‌های بزرگی به‌منظور استماع سخنرانی‌های ببرک کارمل در چندین نقطه شهر به وجود آمد که در آن‌ها هزاران نفر از رأی دهندگان محل، رفقا، دوستان و هواداران اشتراك ورزیدند.

حضور ببرک کارمل در میان مردم و سخنرانی‌های وی از طرف اشتراك کنندگان در میتینگ‌ها با شعارهای زنده باد به گرمی استقبال گردیده و باشعور و هلهله و کف زدن‌های ممتد بدرقه می‌گردید.

ببرک کارمل در بیانیه‌های خویش مطابق به خط مشی جریان دموکراتیک خلق افغانستان از حقوق و منافع خلق رنجدیده افغانستان دفاع و دشمنان خلق وطن را با ماهیت آن‌ها در پیشگاه مردم معرفی کرد.

اکنون که دوره مبارزات انتخاباتی در آخرین مراحل خود رسیده است، آخرین بیانیه انتخاباتی ببرک کارمل امروز ایراد می‌گردد.

انهدام یک پایگاه دیگر استعمار و امپریالیزم در شمال افریقا

آژانس‌های خبررسانی جهان خبر کودتای لیبیا را پخش نمودند. طبق این گزارش‌ها رژیم سابق لیبیا توسط یک کودتای آرام از بین برده شد و بجای آن شکل جمهوری حکومت اعلان گردید.

رادیو بنغازی خبر کودتای لیبیا را نشر کرده و آن را یك جمهوری عربی یاد نمود. رادیو اعلان داشت که مردم لیبیا از تغییر اخیر در آن کشور به خوشی استقبال کرده‌اند. نطاق رادیو بنغازی رژیم جدید را یك رژیم مترقی یاد کرد و اعلان نمود که پس ازین رژیم جدید از مبارزات مردم عرب علیه استعماریون طرفداری خواهد کرد.

همچنان رادیو لیبیا گفت بعد ازین رژیم لیبیا از مبارزات خلق عرب علیه اشغالگران و استعماریون طرفداری جدی خواهد کرد. در حالی که رژیم سابق فقط در حرف از عرب‌ها طرفداری می‌کرد و در عمل دوست بزرگ امپریالیست‌ها بود. هنگامی‌که تمام کشورهای عربی مناسبات سیاسی خود را با آلمان غرب قطع کردند، یگانه کشور عربی که با آلمان غرب روابط دوستانه داشت رژیم لیبیا بود.

یکی از اعضاء شورای انقلابی جدید لیبیا اظهار داشته است، تغییر رژیم در کشور لیبیا به آرامی به پایان رسید. کودتا ساعت ۴ صبح آغاز و به ساعت ۸ صبح قصر سلطنتی اشغال شد و تمام نوکران دربار به دست انقلابیون اسیر شدند؛

(ص ۴)

بدین‌وسیله به اطلاع عموم اعم از رفقا، دوستان، هواخواهان، علاقه‌مندان، بخصوص رأی دهندگان حوزه دوم انتخاباتی شهر کابل (نواحی ۳ و ۴)، اهالی زحمتکش حوزه و مأموران پائین رتبه و مستخدمین ادارات که ازین حوزه محل کار ایشان واقع است رسانیده می‌شود که در میتینگ انتخاباتی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در شهر کابل که امروز (دوشنبه ۱۷ سنبله) به ساعت ۵ بعدازظهر در پارك زرنگار دایر می‌گردد و در آن ببرک کارمل سخنرانی می‌نماید، حضور به هم رسانند.

(له لومړی مخ نه)

د خپل هیواد افغانستان د خلکو ...

اجتماعی ترقی لپاره ضروری او لومړنی شرط ګڼل کیږی. لدی کبله ده چه ویل کیږی: «د دموکراسی په لار کښی مبارزه د سوسیالیزم په لار کې د مبارزی لاینفک جز دی.»

له پورتنی فورمولبندی شوی یادونی سره، د اجتماعی ترقی او د افغانستان د خلك د عمومی رفاه د هدفو په ارزیابی پیل کوو.

اجتماعی ترقی: نه انکارکیدونکی حقیقت دی چه زمونږ هیواد د ژوندانه په ټولو، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی او فرهنګی اړخو کښی په پیړیو د نړۍ له پرمختللیو هیوادو څخه وروسته پاتی دی. له بده مرغه چه پدی وروسته پاتی والی کښی هم په داسی بده وضعه کښی یو چه مترقي هیوادو نه په حیرانونکی توګه د ماشین په چټکتیا په مخ ځی، ولی زمونږ ټولنه د اوښانو له کاروانه سره حرکت کوی، چه په طبیعی ډول د دغو دوو ډولو حرکتو تر منځ فاصله او درز ورځ په ورځ زیاتیږی. لدی کبله په اوسنی وضعه کی فوری، ضروری او حیاتی وظیفه چه زمونږ په مخ کښی ده هغه زمونږ د افغانی ټولنی د رشد او ترقي لپاره د هر اړخیزه مساعدو د شرایطو ایجادول دي تر څو چه وکولای شو د ځوسوو کالونو وروسته پاتی والی جبران کړو.

علمی تیوری دی پوښتنې ته داسی ځواب ورکوی «په تکنیکی او کلتوری لحاظ جهانی سویی او عادلانه اجتماعی نظام ته د رسیدلو د پاره د انکشاف او ودی په میسر کښی د یوی ټولنی ګرندی او جامع حر کت ته» ترقی ویل کیږی.

د ترقی معیار دیوی ټولنی د اجتماعی اقتصادی او سیاسی نظام له مترقی ماهیت څخه دی چه د تولیدی قواوو د تکامل لپاره نوی امکانات برابروی او د ټولنی د رشد خورا ګرندی وده تأمینوی.

اوس وینو چه د پورتنیو تعریفونو په بنسټ زمونږ هیواد، داسی هیواد دی چه د تولید، توزیع او رشد د ودی، د کار د حاصلدهي او د کار د مهارت، د تکنولوژی او ساینس، تعلیم او تربیت، د اجتماعی او دولتی نظم او تشکیل، سواد، صحت، د وګړو مادي او معنوی رفاه او عمومی فرهنګی او د ژوندانه په نورو اړخو کښی د نړۍ په خورا ټیټه سطحه کی دی او د هیواد موجود اجتماعی، اقتصادی او سیاسی وراسته نظام ځنځیرونو په وحشیانه توګه د تولیدی قواوو د رشد مخه نیولی ده. پدی معنی، زمونږ په ټولنه کشی چه د فیوډالی او قبیلوی مقرراتو په بي رحمه منګولو کښی راګیر ده، او د استبداد ارتجاعی استعمار یاغی او تور قووتونه زمونږ د هیواد د رشد او اجتماعی ترقی مخه نیسی او هیواد د ناپوهی، بی سوادی، ناروغی او نیستی خواته کشوی، هیڅ ډول امکانات نشته چه د رشد او ترقی ټول اړخیزه شرایط په ټولنه کښی منځ ته راوړل شی.

رښتیا ده چه د افغانستان حاکمه هیأت د هیواد د اقتصادی او فرهنګی رشد لپاره تبلیغاتی سیاست لری. ولی د هیواد د خلکو د لویو ولسونو د ژوند هلاکونکی واقعیت او د هیواد د رشد پڅه وده ددی حقیقت ښکارندوی دی چه دافغانستان د حاکمه هیأت سیاستونه بی له اغوا، غولولو او درواغو بل شی نشي کیدای.

باید وویل شی چه دغه سیاست محض تبلیغاتی دی او دغه «رشد او ترقی» ډیره بطی، سطحی، جزئی او ناسالمه ده او د هیواد په مختلفو اجتماعي شئونو کښي تر هغه حده ډیره لږ ده چه په معاصری نړۍ کښی د ټولنی د ګرندی تکامل د پاره لازمه ده او هم له هغو امکاناتو څخه چه زمونږ د ټولنی د ترقي ډیاره میسر دی خورا لږ ده.

د نړۍ د نویو او مترقی نظامو تجربی دا ښی چه کیدای شی د ټولنی د ګرندی رشد او ترقی شرایط چه په متمادی پیړیو کښی ندی برابر شوی، د یوه نسل د ژوند په دوران کی آماده کړل شی. خو په خورا خواشینی باید ووایو چه دافغانستان حاکمه هیأت چه د خپلی ارتجاعی طبقی له ګټو څخه نمایندګی کوی او له امپریالیزم او بورژوازی له ارتجاعی ایدیالوژی څخه پیروی کوی، هڅه کوی چه د ټولنی له ګرندی او خلاق رشد او ترقی مخه ونیسی، او په دغه شان د خپلی طبقی د اجتناب ناپذیر سقوط او زوال مخنیوی وکړی.

حاکمه هیأت تر هغی اندازی پوری د خلکو د لاسو او پښو د اسارت د ځنځیرونو سستیدو ته تن ورکوی چه خپله بقا او طبقاتی ګټی یی په هغه کښی متصوری وی او په مزورانه توګه په هغه د ترقی نوم ږدی او په بی شرمی تبلیغ کوی چه د افغانستان د ټولنی د پرمختګ او ترقي لپاره تر دغه زیات امکانات وجود نلری.(!) »

خو د دغي له واقعیته لري ادعا باوجود د علمی تیوری او د نړۍ د پرمختللیو مترقی هیوادو د تجربی په استناد ویل کیدای شی چه زمونږ په هیواد کښی د ګرندی او جامع رشد او ترقی امکانات خورا زیات موجود دي او افغانستان کولای شی چه په حیرانونکی قوت او چټکتیا سره د څو پیړیو د وروسته پاتی والی فاصله د یوه نسل د ژوندانه په موده کښی ووهي. خو پدی شرط چه اجتماعی اوسنی موجود زوړ اجتماعی او اقتصادی نظام لری شی او نوی مترقي دموکراتیك نظام د هغه په ځای مینځ ته راشی. ځکه یوازی داسی نظام کولای شي زمونږ د هیواد له خورا لویو او سرشارو طبیعی او انسانی منابعو څخه پراخه او عامی ګټه واخلی او زمونږ هیواد ترقي ته د رسیدو دپاره، د ملی او دموکراتیك سالم رشد په لار روان کړی. دافغانستان اوسنی ضد دموکراتیك او ضد ملی حاکمه هیأت چه د سیاسی او دولتی قدرت په توګه یی په کلی او ښار کښی د اجتماعي ترقي لار بنده کړه ده زمونږ د ټولنی د رشد او ترقی د پاره خورا لوی خنډ ګیل کیږی.

له همدی کبله په اوسنیو شرایطو کښی، د هیواد د ټولو ملي او مترقی قوتونو ګډه مبارزه د دموکراتیك او ملي دولت د منځ ته راوړلو په لار کښی، د ټولنی د جامع او ګرندی ترقي لپاره عادلانه جګړه دهر وطن پرست افغان مقدسی وظیفه ده.

عمومی رفاه:

د افغانستان د خلکو یعنی د کارګرانو، بزګرانو، شپنو، پیشه ورانو او روشنفکرانو د رفاه او دژوند د سویی د چټکی ارتقاء د امکاناتو د ایجاد په لار کښی عادلانه جګړه زمونږ مقدس او اساسی هدف دی؛ یعنی د هیواد د ټولو پنځلس میلیونی - خلکو لپاره د مرفه او با کلتوره معاصر ژوند د حداقل شرایطو لکه خوراك، پوښاك، مسکن، دوا او روغتون او د وګړو د سلامتی ساتنه، سواد او مکتب، د کار حق، د کار د شرایطو بهبود، عادلانه مزد، عمومی بیمی، وړیا معالجه، استراحت، د کوچنیانو او زړو حمایت او د ښځو د ژوند د وضعی ښه کول، د تقاعد حقوق، د وګړو د واقعی عوایدو زیاتوالی، د وګړو د مصرفی شیانو تهیه کول، د کلیو او ښارو، کلیو، تیاتر او سینماګانو او پلورنځیو د جوړښت تجدید، او نورو تامینول.

البته باید وویل شي چه د خلکو دغو ارمانو تامینول خورا ګران کار دی. او د هغو تامینول د هیواد د موجود حاکمه هیأت له وسی بیخی پوره نه دی.

د افغانستان تر اوسني نظام لاندی ده چه زمونږ د هیواد خلك د ناپوهی، ناروغی، بیکاری آوارګی او لوږی په اور کښی سوځي، د خلك د لوی اکثریت متوسط کالني عاید د نړۍ له خورا ټیټو عایدو څخه دی او د نیستی او شتمنی به مینځ کښی فاصله ورځ په ورځ ژوره او پراخیږی او ژوند په کلی او ښار کښی، د قبیلو او کوچیانو په منځ کښی د ځغم وړ نه دی.

د دغه جهنمی او غیرانسانی ژوند د ریښو د ایستلو او د عمو مي او بافرهنګه رفاه او هوسایی د تأمین د پاره باید په ډیره چټکتیا د هیواد مؤلده قوتونه په پراخه پیمانه رشد وکړی او یو عادلانه دموکراتیك نظام ایجاد کړی.

د نړۍ د مترقي هیوادو تجربه موږ ته رابنئی چه که په اوسنی وضع کښی لومړنی شرایط یعنی ملی استقلال، دموکراسی او اجتماعی ترقی کلکه او تأمین شی، کیدای شی چه د عمومی ګرندی، رفاه د تامینولو بری تر لاسه شی. انکار ناپذیر حقیقت دغه دی چه یواځی د خلکو خلاق او قهرمانانه فعالیت، د دموکراتیکو طبقو پیګیر او عادلانه جګړه او د ملي او مترقی ګوندو او وطن پرستو قوتونو زړوری او متحدانه مبارزی کولای شی چه د ټولنی د ژوندانه د نوی کلو ضامن شی او په ټولنه کښی د بنیادی تحول او مترقی بدلونونو د راوستلو سبب وګرځی.

په هره اندازه چه د دغو قوتونو فعالیت او مبارزه آګاهانه، متشکله، قاطع، موثره او متحده وي او هر ځومره چه د خلکو پراخی پرګنی له ځانه سره ولری په هغه اندازه به اجتماعی ترقی او رشد ګرندی، جامع او اساسی وی.

له اجتماعی، ترقی او رفاه څخه مترقی او علمی استنباط د زیارکښو دپاره د سولی، آزادی او عدالت د تامینولو لپاره پیاوړی او قاطع وسیله ده. دغه چاره زیارایستونکو ته ځلیدونکی او روښانه دورنما ورښیی او د نوی او مترقی ټولنی د جوړولو په مبارزه کښی یی د نجات بخښونکی ملی او اجتماعی جګړی الهام بخش ده.

لدی ځایه څخه ده چه ټول نجیب وطن پرست او ترقي غوښتونکی قوتونه چه واقعاً د افغانستان له نیك بختی او ترقی سره مینه او علاقه لری، باید د سولی، خپلواکی، دموکراسی، اجتماعی، ترقی او زمونږ د ګران افغانستان د ټولو خلکو د رفاه د پنځګونو عالیه هدفو په لار کښي زمونږ د پلرنی وطن په یوه لویه او پراخه جبهه کښی، په یوه متحده او دموکراتیکه او ملی جبهه کښی، د افغانستان د خلك د دښمنانو په ضد جبهه کښی، یقین د افغانستان د خلکو په جبهه کښی خپل آزادی ښونکی او لوړی مبارزی متحدانه او شریفانه په مخ بوزی.

هیڅ ملي او مترقی قوت بی له داخلی تورو او امپریالیستی ارتجاعی قووتو او دهغوی میریی صفته داخلی هوادارانو نه شي کولای د دغو دموکراتیکو او عادلانه هدفونو له حقانیت څخه انکار وکړی.

موږ پوره باور لرو چه په هر شکل او صورت چه وی د افغانستان ربړیدلي خلك به د آزادی، ترقی او رفاه خواته خپله لار خلاصه کړی ځکه چه دا د ربړیدلیو خلکو طبعی لار ده.

ببرک کارمل

به‌سوی فردای آرزوها - آرزوهای درخشان آزادی انسان!

هموطن! بیا، بنام پیوند قلب‌ها و خون‌ها، پیوند ایمان‌ها و آرزوها دست‌ها را به هم آریم.
به‌سوی حماسه‌های آتشین، به‌سوی جایگاه‌های سترگ، به‌سوی پهنه‌های بیکران زندگانی نوین، به‌سوی افق‌های دور دست اوج گیریم، یکجا باهم شهپال فرو کوبیم و غرور شادی آفرین نبرد را در خم و پیچ سنگین و روان سوز شریفانه باهم احساس کنیم.
هموطن! در بیشه زارهای ناپیدا، خصم ستمگستر در کمین است، اگر تك تك رویم همان‌سان ربوده خواهیم شد که گرگان خون آشام آهو برگان را ظالمانه می‌ربایند.
ازین جا، بیا! تا سپاه بی‌پایان بی‌فرجام خلق را همچون سیلی بیداد افگن راهگشا به‌سوی فردا، فردای آرزوها، فرداهای درخشان آزادی انسان، به‌سوی افق‌های روشنایی بسیلان در آوریم. (ا.ک)

ترجمه

-۶-

وظایف مبارزه در مرحله کنونی علیه امپریالیزم ...

امپریالیست‌ها از سیاست نژادی غرض تفرقه اندازی بین خلق‌ها و حفظ سلطه خویش استفاده می‌کنند. بخش‌های وسیع توده‌های مردم سیاست نژادی را رد می‌کنند و می‌توان آن‌ها را به مبارزه بر ضد آن کشانید. آن‌ها به این عمل خود درك خواهند کرد که امحای سیاست نژادی با مبارزه ضد امپریالیزم و مبانی ایدیولوژیک آن ارتباط نزدیك دارد.

منافع مبارزه بر ضد امپریالیزم که می‌کوشد آزادی‌های بنیادی بشری را زیر پا کند، ایجاب می‌نماید که در راه دفاع و به دست آوردن آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعی، آزادی تظاهر، تشکیل انجمن به خاطر برابری تمام شهریان به‌منظور دموکراسی ساختن تمام پهلوهای حیات اجتماعی نبرد خستگی ناپذیری پیش برده شود. باید به هر نوع تلاش و هر نوع قانون ارتجاعی که منظور آن منع قرار دادن حقوق و آزادی‌های دموکراتیك کمایی شده در جریان پیکارهای سخت طبقاتی باشد جواب قاطع داده شود. باید برای نجات آن وطن‌پرستان و دموکرات‌های که محکوم به مرگ هستند در ساحه ملی و بین‌المللی کار منظم صورت گیرد، محاکم از اصدار احکام غیرقانونی بر ضد کمونیست‌ها و دیگر وطن پرستان بازداشته شوند، از حق خواستن پناه سیاسی دفاع شود؛ در راه آزاد ساختن دموکرات‌ها و وطن‌پرستانی که در زندان‌ها بسر می‌برند مبارزه به عمل آید.

ما کمونیست‌ها با همه اشکال ستم بر ملت‌ها و اقلیت‌های ملی مخالف می‌باشیم. ما می‌خواهیم هر ملت یا گروپ ملی فرهنگ و زبان خود را انکشاف دهد و ما از حق تعیین سرنوشت تمام ملل توسط خودشان شدیداً دفاع می‌کنیم.

ما کمونیست‌ها معتقدیم که خاتمه دادن به سیاست تجاوز امپریالیستی، امحای استعمار و استعمار نو برای ابد و ریشه کن ساختن فاشیزم و ستم نژادی بدون مبارزه قاطع بر ضد قدرت سرمایه انحصاری و به خاطر خواست‌های دموکراتیک، که یکدفعه کمایی شوند مواضع امپریالیزم را به‌طور کلی ضعیف می‌سازد و به اصل مبانی آن ضربه میزند امکان پذیر نیست. چنین مبارزه شرایطی را به غرض به دست آوردن اهداف نهایی جنبش طبقه کارگر به وجود خواهد آورد.

وضع موجود، همبستگی رزمنده‌تر بین خلق‌های کشورهای سوسیالیستی، تمام قطعات جنبش بین‌المللی طبقه کارگر و جنبش آزادی بخش ملی را در مبارزه بر ضد امپریالیزم ایجاب می‌کند.

امروز کمونیست‌ها وظیفه مبرم خود می‌دانند که سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم به قوت بیشتر افشاء گردد و افکار عامه را در برابر نیات و پلان‌های تجاوز کار امپریالیزم بیشتر بیدار سازند.

اشتراک کنندگان جلسه از همه سازمان‌های که از کارگران، دهقانان، کارکنان دفتر، جوانان، محصلان، روشنفکران و زنان نمایندگی می‌نماید از گروه‌ها و اقشار گوناگون اجتماعی دارای معتقدات و نظرات مختلف سیاسی، فلسفی و دینی، از رهبران سیاسی واقع بین در کشورهای سرمایه داری، از تمام احزاب دموکراتیك، از سازمان‌های عامه مترقی ملی و بین‌المللی خواهشمند است که مساعی خویش را در مبارزه ضد امپریالیستی به‌منظور تخفیف کشیدگی و در دفاع از صلح متحد سازند، ما از همه آن‌ها دعوت می‌نماییم که در تبادل نظر وسیع و تعمیری بر وسیع‌ترین سلسله ممکن موضوعات مربوط به مبارزه ضد امپریالیستی اشتراك ورزند.

کمونیست‌ها برای آمادگی و اجرای عمل متحد با تمام نیروهای وطن پرست، مترقی و صلح‌دوست به مقیاس ملی، منطقوی و بین‌المللی از دموکراتیک‌ترین شیوه‌ها جانبداری می‌نمایند. آن‌ها برای ایجاد هرچه بیشتر تفاهم متقابل بین‌المللی تمایلات و جنبش متعدد و متنوع ضد امپریالیستی از طریق در نظر گرفتن خصوصیات و نشان دادن احترام به استقلال آن‌ها هر چه در توان دارند دریغ نخواهند کرد. اشکال همکاری که آزادانه و به اساس رضایت مشتری انتخاب گردد این را ممکن خواهد ساخت که مبارزه ضد امپریالیستی به‌منظور جواب دادن به مقتضیات وضع موجود به سطح جدیدی ارتقاء داده شود.

-۴-

اشتراك کنندگان کنفرانس به این عقیده‌اند که مهم‌ترین شرط برای افزودن سهم احزاب کمونیست و کارگری در حل‌وفصل پرابلم‌های که در برابر خلق‌ها قرار دارد اینست که اتحاد در جنبش کمونیستی مطابق به مقتضیات امروزی به سطح بلندتری ارتقا داده شود. این امر ایجاب می‌کند که از طرف تمام احزاب مساعی مشخص و پیگیر صورت گیرد. به هم فشردگی احزاب کمونیست و کارگری مهم‌ترین عامل در جمع کردن تمام نیروهای ضد امپریالیستی می‌باشد.

اشتراك کنندگان کنفرانس بار دیگر نظر مشترك شان را تأکید می‌نمایند که روابط بین احزاب برادر مبنی بر اصول انترناسیونالیزم پرولتاری، همبستگی، پشتیبانی متقابل، احترام به استقلال و برابری، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر می‌باشد.

چنگ زدن به این اصول شرط لابدی انکشاف همکاری رفیقانه بین احزاب برادر و تقویه وحدت جنبش کمونیستی می‌باشد. مشاوره‌های دوجانبه، ملاقات‌های منطقوی و کنفرانس‌های بین‌المللی اشکال طبیعی چنین همکاری محسوب می‌شوند که بر اساس اصول پذیرفته شده در جنبش کمونیستی دایر می‌گردند. این اصول و این اشکال هر نوع امکان را برای احزاب کمونیست و کارگری تهیه می‌بینند تا مساعی‌شان را در مبارزه به خاطر مقاصد مشترك، در تحت شرایط تنوع روز افزون پروسه انقلابی جهان متحد سازند. تمام احزاب حقوق مساوی دارند. از آنجائی که در جنبش بین‌المللی کمونیستی مرکز رهبری وجود ندارد، انسجام رضا کارانه فعالیت‌های احزاب به غرض اجرای مؤثر وظایفی که در برابرشان قرار دارد اهمیت روزافزون کسب می‌نماید.

عمل متحدانه احزاب کمونیست و کارگری هم فشردگی جنبش کمونیستی را بر اصول مارکسیستی لنینیستی پیش خواهد برد. عمل مشترک که مقصد آن حل پرابلم‌های عملی جنبش‌های انقلابی و دموکراتیك عمومی زمان ما باشد تبادل ضروری تجربه، بین بخش‌های مختلف جنبش کمونیستی پیش می‌برد. آن‌ها در غنی ساختن و انکشاف خلاق تئوری مارکسیستی - لنینیستی کمك می‌کنند و مواضع انقلابی انترناسیونالیستی را در پرابلم‌های مبرم سیاسی تقویه می‌نمایند.

اشتراك کنندگان کنفرانس تصمیم محکم احزاب شان را اعلام می‌نمایند که آن‌ها برای خلق کارگر و به خاطر ترقی اجتماعی، به‌منظور پیشرفت به‌سوی پیروزی کامل بر سرمایه بین‌المللی آخرین تلاش خود را خواهند نمود. آن‌ها عمل مشترك ضد امپریالیزم و به خاطر خواست‌های دموکراتیك عمومی را به حیث یك جزء و مرحله از مبارزه به خاطر انقلاب سوسیالیستی و از بین بردن سیستم استثمار انسان از انسان می‌پندارند.

اشتراك کنندگان کنفرانس معتقد اند که مؤثریت سیاست هر حزب وابسته به مؤفقیت‌های حزب در کشور خودش و مؤفقیت‌های احزاب برادر و به‌اندازه همکاری آن‌هاست. هر حزب کمونیست در فعالیت خود در برابر طبقه کارگر و خلق خویش و در عین زمان در برابر طبقه کارگر بین‌المللی مسؤولیت دارد. مسؤولیت‌های ملی و بین‌المللی هر حزب کمونیست و کارگری غیرقابل تقسیم می‌باشد.

مارکسیست - لنینیست‌ها هم وطن‌پرست وهم انترناسیونالیست اند، آن‌ها هم تنگ نظری ملی و هم نفی یا کم بها دادن به منافع ملی و تلاش برای رهبری را رد می‌نمایند. در عین زمان، احزاب کمونیست - احزاب طبقه کارگر و تمام خلق کارگر برخلاف طبقات ارتجاعی که به منافع ملی خیانت می‌ورزند پرچمداران منافع واقعی ملی هستند.

به دست آوردن قدرت از طرف طبقه کارگر و متحدین آن‌ها بزرگترین کمکیست که یك حزب کمونیست که در شرایط سرمایه داری می‌جنگد به مرام سوسیالیزم و

(ار ص اول)

بازهم نکاتی چند ...

از لحاظ اقتصادی کم رشد است معمولاً به اساس مبادله نابرابر صورت می‌گیرد این نابرابری در مبادله در تناسب قیمت‌های صادرات و واردات پیوسته بسود کشورهای سرمایه داری و به زیان کشور ما تمام می‌شود که حکومت‌های وقت سنگین مسؤولیت آن را به عهده خواهند داشت.

کشورهای رشد یافته سرمایه داری ازین مجبوریت کشورهای کم رشد که به صدور یك یا چند نوع امتعه می‌پردازند، سوء استفاده کرده نوسان مصنوعی قیمت‌ها را به وجود می‌آورند و از این راه سودهای بزرگی می‌برند؛ مثلاً در سیاست اقتصادی خود در برابر کشورهای کم رشد، این شیوه بی‌شرمانه را من‌جمله شیوه‌های دیگر غارتگرانه خویش به کار می‌برند که در دوره رکود فعالیت‌های تجارتی و اقتصادی خرید خود را از این کشورها تا حدود زیادی تقلیل داده و یا قطع می‌نمایند. بدین‌وسیله به‌خصوص برای آن ممالک که سرنوشت تجارت آن‌ها بستگی به یك یا چند نوع متاع معین دارد بدبختی و فلاکت به وجود می‌آورند و بعد هنگامی‌که در اثر فشار و تضییقات قیمت‌ها نزول کرد، به نازل‌ترین قیمت شروع به خریداری می‌کنند. ولی همین‌که قیمت‌ها در اثر تقاضای بیشتر تمایل به صعود پیدا نماید فوراً کنترول بر روی آن‌ها بر قرار می‌گردد. مثال بر جسته و تأثیر مشخص چنین پالیسی غارتگرانه کشورهای سرمایه داری را می‌توان در مورد آن اقلام عمده صادراتی افغانستان مثل قالین، قره‌قل و غیره مشاهده کرد که به آن کشورها صادر می‌گردد.

هدف ما از طرح این مسأله مخالفت با داشتن مناسبات تجارتی، در صورت امکان، با تمام کشورهای جهان نیست ولی ما در امر توسعه تجارت خارجی پیوسته طرفدار اصول برابری، نفع متقابل و احترام به آزادی طرفین معامله می‌باشیم.

مطمح نظر ما اینست که در روابط یا تجارتی خویش افغانستان با کشورهای دیگر، بکوشد که واردات بر صادراتش فزونی نیابد و میزان پرداخت نقدی آن محدود گردد، تجارت را با طرف معامله بر اساس نفع متقابله توسعه دهد. این امر در صورتی ممکن است که تبادله اموال بر اساس مستحکم قراردادها و موافقت نامه‌های طویل‌المدت صورت گیرد، زیرا با این وضع می‌توان برای بسط و توسعه سالم تجارت برای مدت طولانی طرحی را به وجود آورد، ازین راه خرید و فروش را تثبیت کرد و به‌طور دوامدار مقدار تولید امتعه صادراتی را بالا برد. علاوتاً بر طبق این‌گونه موافقت‌نامه‌های طویل‌المدت، برای امتعهٔ اصلی مورد مبادله در تمام مدت قرارداد قیمت‌های ثابت پیش‌بینی می‌شود؛ که کشور ما دچار عواقب منفی نوسان و تزلزل قیمت‌ها نمی‌گردد.

از آنجائی که توسعه تجارت خارجی بر پیشرفت‌ها و ترقیات صنعت و زراعت، توسعه استخراج ثروت‌های طبیعی و بر بهبود سطح زندگی و افزایش مواد مورد نیاز اهالی متکی می‌باشد بنا بر آن راه خروج از وضع نامساعد اقتصادی کنونی عبارت است از صنعتی کردن کشور، دادن حق تقدم و تورید ماشین آلات. بدیهی است که انجام این امر مهم صنعتی کردن کشور در شرایط کنونی افغانستان بدون همکاری‌های برونی و داشتن مناسبات اقتصادی و تجارتی با کشورهای دیگر نمی‌تواند به‌سرعت انجام گیرد ولی ما بر آنیم که ین مناسبات مبتنی بر احترام و منافع متقابل برابری و بدون قید و شرط سیاسی باشد.

ما معتقدیم که ملی ساختن تجارت خارجی و بسط و توسعه مناسبات اقتصادی میان کشور ما و کشورهای سوسیالیستی و توسعه تجارت میان آن‌ها بر اساس مباد له برابر و سود متقابل مطابق به منافع ملی ما بوده و موجب رشد سریع نیروهای مؤلده در کشور می‌شود که این امر موجب ترقي و رفاه خلق و حل مسایل مبرم و حیاتی رشد اقتصادی کشور می‌گردد و تا درجه زیادی به استحکام استقلال ما کمک می‌نماید.

(س.ک)

زنده‌گی دشوار
و پر از درد و رنج مزدورکاران

مزدورکاران روزمزد گروه دیگری از رنجبران ستمکش کشور ماست. ایشان از صبح تا شام به کارهای گوناگون پر مشقت و طاقت‌فرسای مزدورکاری بالعموم در تعمیرات و ساختمان‌های جدید می‌پردازند. مزدی که در طول یک روز در بدل کار دشوار و توان‌فرسا به ایشان پرداخته می‌شود قدری ناچیز است که با آن نمی‌توان حتی نان خشك روزانه خود و خانواده حداقل سه نفری‌شان را تهیه کنند.

مزدورکاران روزمزد که حتی مصئونیت تأمین کار را برای فردای خویش ندارند مجبورند در زیر آفتاب سوزان در نیمه روزهای فصل سوزان تابستان کار نمایند. رسیدن فصل زمستان و مخصوصاً قطع شدن کار تعمیرات عرصه زندگی را بیش از پیش بر مزدورکاران روزمزد تنگتر می‌سازد. از انبوه منتظرین برای کار روزانه، عده کثیری از ایشان بنا بر فقدان کار، روزها را در بیکاری می‌گذرانند و فقط آن‌هایی می‌توانند کاری بیابند که زور بازوی بیشتر دارند. این‌هاست که اول‌تر از میان ده‌ها و صدها کارگر روز شماره (بیست و چهارم سال دوم) مزد دیگر به انتخاب «صاحب کار» بخصوص در مراکز معین و یا به عبارهٔ دیگر بازارهای عرصه کار که در کابل روبروی مسجد پل خشتی، دهمزنگ و برخی نقاط دیگر شهر است، استخدام می‌گردند و عدهٔ کثیری دیگر بی سرنوشت و سرگردان پی کار می‌گردند. در حالی که یک روز بیکاری مزدورکار، قیمت گرانی برای خود و خانواده‌اش تمام می‌شود، زیرا فقط فروش نیروی کار اوست که اعاشه «به‌قدر بخور و به‌تدریج بمیر» خود و خانواده‌اش را می‌نماید.

گاراژهای سیاه و نمناک، اتاق‌های دودزده و غیر صحی سرای‌ها رهایشگاه آنان را تشکیل می‌دهد. آن‌ها زیر روشنی کم نور شمع و چراغ تیلی فقط لقمه‌های نان خشك را قورت می‌دهند و می‌خوابند. کثرت مسکونین درین حجره‌ها باعث انتشار انواع گوناگون امراض بین آن‌ها می‌گردد.

مزدورکاران روزمزد غالباً دهقانان بی‌زمین و کم زمین اند که از جور و ستم ملاکان ستمگر جدیداً به شهرها پناه می‌آورند و یا کارگرانی که بیکار مانده‌اند.

زندگی مزدورکاران نمودار زنده‌ای از نابرابری‌های اجتماعی در کشور ماست. یا آن زندگی‌های پرتجمل و افسانوی صاحبان زور و ثروت و یا این زندگی مرگبار و دردانگیز که می‌تواند آن را زندگی بدون همه چیز نامید، نه عاید کافی برای بخور و نمیر، نه خوراك، نه لباس، نه سرپناه و نه قدرت تداوی هنگام بیماری. قیافه‌های غم انگیز، چهره‌های سیاه و سوخته، تن‌های لاغر چشمان در کاسه فرورفته آن‌ها بیانگر زندگی جهنمی و پر از درد ورنج آن‌هاست.

(خلیل زمر)

(از ص اول)

پیش‌آمد در برابر زندانیان...

مردانه است، فساد و گمراهی تا آخرین حد آن در میان زندانیان زن شیوع دارد.

اطفال که زندانی می‌گردند حتماً به حیث یك فاسد الاخلاق برون داده می‌شوند. عوض آنکه اطفال مجرم تحت تربیت صحیح قرار گیرند و اصلاح شوند عمداً در اثر رویه غیرانسانی و بی‌اعتنائی‌های خاص به‌سوی فساد و گمراهی سوق می‌گردند و از میان این‌هاست که غالباً جنایتکاران خطرناك به وجود می‌آید.

زندان‌های افغانستان بخصوص در برابر زندانی‌های سیاسی از قدیم‌الایام مرکز فجایع و جنایات دهشتناك بوده هر خشت و سنگ آن‌ها هر مترمربع، هر وجب آن گواه و بازگوینده اسرار و سیاه کاری‌های فجیع و صحنه‌های هول انگیز می‌باشد. صدها جوان آزادیخواه و مشروطه خواه کشور یا بدون محاکمه سال‌ها در زندان فراموشی قرارگرفته و از بین می‌رفتند و یا تحت زجر و فشار غل و زنجیر حیات طولانی زندان را بسر آورده و اما پس از مدتی زندگی خود را نیز از دست می‌دادند.

علی رغم اینکه در قانون اساسی تعذیب انسان ممنوع قرار داده شده و فقره یازدهم ماده بیست و ششم آن اشعار می‌دارد که «تعذیب انسان جواز ندارد، هیچکس نمی‌تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه آن شخص تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد به تعذیب او اقدام کند یا امر دهد. تعیین جزای که مخالف کرامت انسانی باشد جواز ندارد.» ولی هم اکنون زندانیان مورد لت و کوب، زولانه کوته قفلی و غیره قرار می‌گیرند.

زندانیانی در درون زندان‌های کشور موجود می‌باشند که مدت‌ها قبل میعاد حبس شان بسر رسیده است، ولی برای اینکه رشوه نپرداخته‌اند و یا اینکه ضامن حاضر کرده نتوانسته در حبس باقی می‌مانند. اکثراً طوری واقع شده در زندان‌های افغانستان محبوسانی بسر می‌برند که سال‌های سال بر آن‌ها سپری گشته بدون اینکه جرم ایشان در محاکم ثابت و یا لااقل قضیه مربوط به آن‌ها در محکمه پیش گردیده و مطرح بحث قرار گرفته باشد. بسی واقع شده که مأموران زندان برای رفع مسؤولیت و فرار از چنگ قانون (!) انسان‌های بی‌گناهی را به بهانه‌های گوناگون دستگیر و عوض زندانیان فراری و به‌منظور پوره کردن کمبود محبوسان به زندان افگنده و مدت‌ها در قید نگه می‌داشتند.

در کشور ما تعداد بیشتری خانواده‌های زندانیان با غیابت و یا از دست دادن دایمی نان آور و سرپرست خویش دچار مصایب و بدبختی‌های فراوانی گردیده و محکوم به فساد تباهی و مرگ گردیده‌اند. غالباً اعضای خانواده و مربوطین زندانیان و بخصوص زندانیان سیاسی علی رغم اینکه در قانون اساسی گفته می‌شود «جرم یك امر شخصی است. تعقیب گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی‌کند» مورد تعقیب، تهدید و آزار قرار می‌گیرند.

بسیاری از انسان‌های هموطن ما که به علل مختلف و بهانه‌های گوناگونی به زندان افتاده‌اند، پس از سپری نمودن میعاد حبس و رهایی از زندان در بدر پی کار گشته و کار نیافته ناگزیر یا دست به تگدی زده و یا به اجبار مرتکب جرایمی گردیده و بار دیگر به زندان افتیده اند، ولی این بار بنام تکرار جرم میعاد حبس شان طولانی‌تر شده است.

در کشور عقب مانده ما این وضع رقت انگیز و ننگین ناشی از فساد اداره، استبداد، ارتجاع و شرایط بد حیات و فقر کشنده است - و اصلاح آن مستلزم ایجاد تحولات اساسی و عمیق در جمیع شئوون حیات اجتماعی و اقتصادی جامعه ماست.

«رتبیل»

مرکز نشر اهداف انقلابی که پرچم سازمان ما برآن نشان داده است

انترناسیونالیزم پرولتری نموده می‌تواند.

احزاب کمونیست و کارگری فعالیت شان را در شرایط گوناگون، خاص پیش می‌برند که در حل پرابلم‌های مشخص ایجاب برخورد مناسبی را می‌نماید. هر حزب، با رهنمایی مارکسیزم لنینیزم و مطابق به شرایط مشخص ملی، خط مشی سیاسی خود را با استقلال کامل طرح می‌کند، جهت‌ها، اشکال و شیوه‌های مبارزه را تعیین می‌نماید، و مطابق به حالات راه گذار مسالمت آمیز یا غیر مسالمت آمیز به سوسیالیزم و همچنان اشکال و شیوه‌های ساختمان سوسیالیزم را در کشور خویش انتخاب می‌کند. در عین زمان، شرایط مختلف که در آن احزاب کمونیست فعالیت می‌کنند، برخوردهای مختلف در وظایف عملی و حتی اختلافات در بعضی مسایل، نباید مانع عمل مشترك بین‌المللی از طرف احزاب برادر خصوصاً در پرابلم‌های اساسی مبارزه ضد امپریالیستی گردد. به هر اندازه که قوت و وحدت هر حزب کمونیست بیشتر باشد به همان اندازه می‌تواند نقش خود را در داخل کشور و در جنبش بین‌المللی کمونیستی بهتر بازی کند.

کمونیست‌ها از این آگاهند در حالی که جنبش شان در جریان تکامل خود به پیروزی‌های بزرگ تاریخی نایل می‌گردد در این اواخر با مشکلات جدی مواجه گردیده است. ولی کمونیست‌ها معتقد اند که بر این مشکلات فایق خواهند شد. این اعتقاد متکی بر این حقیقت است که طبقه کارگر بین‌المللی اهداف و منافع طویل‌المدت مشترك دارند، و مبنی بر تلاش هر حزب برای پیدا نمودن یك راه حل برای پرابلم‌های موجود می‌باشد که با منافع ملی و بین‌المللی و مأموریت انقلابی کمونیست‌ها مطابقت خواهد داشت، بالاخره این عقیده مبنی بر اراده کمونیست‌ها برای به هم فشردگی به سویه بین‌المللی است.

حزب کمونیست و کارگری قطع نظر از بعضی اختلافات نظر، تصمیم شان را در ایجاد یك جبههٔ متحد در مبارزه علیه امپریالیزم بار دیگر تائید می‌نمایند.

بعضی اختلافاتی که به وجود آمده است از طریق تبادل نظر رفع می‌گردد یا با انکشاف واقعات که جوهر موضوعات برجسته را روشن می‌سازد، از بین می‌رود. اختلافات دیگر برای مدت طولانی ادامه خواهد یافت. کنفرانس اطمینان دارد که موضوعات برجسته می‌تواند و باید از طریق تقویه همه اشکال همکاری بین احزاب کمونیست از طریق بسط و توسعه پیوندهای داخل حزبی، تبادله متقابل تجربه، مباحثه و مشوره رفیقانه، وحدت عمل در ساحه بین‌المللی به‌صورت صحیح حل و فصل گردد. وظیفه بین‌المللی هر حزب است که در راه بهبود روابط و تقویه اعتماد بین همه احزاب آنچه در توان دارد دریغ نکند و مساعی مزیدی در راه استحکام وحدت جنبش بین‌المللی کمونیستی به عهده بگیرد. تحلیل دسته جمعی واقعیت مشخص این وحدت را تقویه می‌کند.

سیاست عمل مشترك ضد امپریالیستی ایجاب می‌کند که نقش ایدیولوژیکی و سیاسی احزاب مارکسیست- لنینیست در پروسه انقلابی جهان تشریح گردد.

کمونیست‌ها در حالی که در صفوف اول جنبش‌های انقلابی آزادی‌بخش و دموکراتیك حرکت می‌کنند به مبارزه آشتی ناپذیر خود علیه ایدیولوژی بورژوائی ادامه خواهند داد و به خلق کارگر معنی واقعی مبارزه و شرایط پیروزی‌شان را تشریح خواهند نمود.

کمونیست‌ها، به‌منظور پیشبرد یك مبارزه موفقانه علیه امپریالیزم و تأمین پیروزی مردم شان اندیشه‌های سوسیالیزم علمی را در بین جنبش طبقه کارگر و در بین توده‌های وسیع به شمول جوانان تبلیغ خواهند نمود. آن‌ها اصول خویش را به‌طور استوار حفظ و به خاطر پیروزی مارکسیزم - لنینیزم کار خواهند کرد و مطابق به اوضاع مشخص، بر ضد انحرافات اپورچونیستی راست و چپ در تیوری و در پالیسی بر ضد تجدید نظر طلبی، جزمیت و ماجراجویی سکتریستی چپ خواهند جنگید. این انحرافات به‌طور عمومی اهمیت نیروهای واقعی را که می‌توانند و باید به‌سوی مبارزه کشانیده شوند کم بها می‌دهد.

وفاداری به مارکسیزم - لنینیزم و انترناسیونالیزم پرولتری، خدمت یا وقف فداکارانه به منافع خلق شان و مرام مشترك سوسیالیزم شرط لازم برای مؤثریت و جهت دادن صحیح عمل متحدانه که توسط احزاب انقلابی کمونیست و کارگری صورت می‌گیرد تضمین می‌نماید که آن‌ها اهداف تاریخی خود را به دست خواهند آورد.

جنبش کمونیستی جزء لاینفک جامعه معاصر است و فعال‌ترین نیروی آن بشمار می‌رود.

از آن رو منع قرار دادن احزاب کمونیستی، حمله بر حقوق دموکراتیك منافع حیاتی خلق‌ها است. اشتراك کنندگان کنفرانس بدون استثناء تمام احزاب کمونیستی جهان را که در راه اشتراك مشروع در حیات سیاسی کشورشان می‌جنگند پشتیبانی می‌نمایند. ما به تأکید، اختناق وحشیانه و تروری را که حیات هزاران در هزار کمونیست‌ها و سایر دموکرات‌ها و انقلابیون را در اندونیزیا، هسپانیا، پرتگال، یونان، بولیویا، برازیل، کولمبیا، گواتیمالا، افریقای جنوبی، تایلند، مکسیکو، ونزویلا، پاناما، پاراگوای، هایتی، مالیزیا، ایران، فلپاین و بعضی کشورهای دیگر نابود ساخته است محکوم می‌نماییم، ما همبستگی خود را در مبارزه مشترک با همرزمان خود که در زندان‌های رژیم‌های دیکتاتوری و فاشیستی، در محابس کشورهای سرمایه داری افتیده اند اعلام می‌نماییم و برای رهایی آن‌ها کار می‌کنیم. اشتراك کنندگان، این کنفرانس را به حیث مرحلهٔ مهمی در همبستگی جنبش کمونیستی می‌پندارند. آن‌ها معتقد اند که غیابت بعضی احزاب کمونیستی نباید در راه پیوندهای برادرانه و همکاری بین تمام احزاب کمونیست، بدون استثنا موانع به وجود آورد. آن‌ها تصمیم شان را در راه حصول عمل مشترک و در مبارزه علیه امپریالیزم، به خاطر اهداف مشترك همچنان با احزاب کمونیست و کارگری اعلان می‌نمایند که در کنفرانس موجود نمایندگی ندارد.

مبارزه علیه امپریالیزم پیکاریست طولانی، مشکل و دشوار و نبردهای سخت طبقاتی اجتناب ناپذیر در پیشرو است. بیایید حمله بر ضد امپریالیزم و ارتجاع داخلی را شدت بخشیم. نیروهای انقلابی و مترقي یقیناً پیروز می‌شود.

خلق‌های کشورهای سوسیالیستی کارگران، نیروهای دموکراتیك در کشورهای سرمایه داری، خلق‌های نو به آزادی رسیده و آن‌هایی که تحت ستم هستند در مبارزه مشترك علیه امپریالیزم، به خاطر صلح رهایی ملی، ترقی اجتماعی، سوسیالیزم متحد شوید.

(پایان)

***

تذکر

درین شماره ترجمه آخرین قسمت »وظایف مبارزه در مرحله کنونی علیه امپریالیزم... «به پایان می‌رسد. در شماره آینده اغلاط طباعتی موضوع از شروع تاختم که طی شماره پرچم بچاپ رسیده است، تصحیح خواهد شد.

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک ګوند ارګان

۱۷ سنبله ۱۳۴۸

د افغانستان د خلک دموکراتیک جریان

او د افغانستان د بڼځو دموکراتیک سازمان د پښتونستان د ملی آزادی بښونکی نهضت ملاتړ کوی

په تیره هفته کی د سنبلی په نهمه د «پښتونستان ورځ» ونمانځل شوه.

د افغانستان دخلك دموكراتيك جريان او د افغانستان د بڼځو دموكراتيك سازمان د دی «ورځی» په نمانځلو او تجليل کی په خپلو اصولو سره سم ستر ه برخه واخيستله. د پښتونستان د ستر ملی مشر خان عبدالغفارخان، د نيشنل عوامی پارتی صدر خان عبدالولی خان، د جنوبی پښتونستان مشر خان عبدالصمد خان، د نشنل عوامی گوند جانيټ سکرتر اجمل خټك او نور ملی او مترقی مبارزانو هم په دی مراسمو کي ګډون کړی وو.

د افغانستان د خلك دموكراتيك جريان او د افغانستان د بڼځو دموكراتيك سازمان له پښتونستان واټ نه تر غازی ستوديوم پوری د يوی سټری او شانداری مظاهری په شکل حرکت وکړ. دلاری په اوږدو کی په زرګونو ښاريان او منورين، خان عبدالغفارخان او د پښتونستان نور ملی او مترقی عناصر هم د افغانستان د خلك دموكراتيك سازمان په دغی سټری مظاهری کی ګډون وکړ. مظاهره چيانو د ترستم لاندی ملتونو د آزادی، د پښتونستان او بلوچستان د حق خودارادیت او ملی نهضت او د نيشنل عوامی پارتی د طرح سره سم د پښتونستان او بلوچستان د ملي تحريك په ګټه، دامپرياليزم، استعمار، ارتجاع او استبداد په ضد له جوشه ډك شعارونه ورکړل. شعارونه په پښتو، دری، ازبيکی او بلوچی ژبوليکل شوی وو. د افغانستان د خلك دموكراتيك جريان او د افغانستان د بڼځو دموكراتيك سازمان په غازی ستديوم کی د پښتونستان د ملي مشر خان عبدالغفارخان د وينا له اوريدو نه وروسته کله چه د يو ښ نطاق له خوا په نيشنل عوامی ګوند باندی تيری وشو د احتجاج په ډول له زرګونو نورو ښاريانو سره، د امپرياليزم، ارتجاع، استبداد، استعمار او محرکينو په ضد او د نيشنل عوامی پارتی په ملاتړ کی د تاودو شعارونو په ورکولو سره له غازی ستديوم نه ووتل.

شمه‌ای در باره مبارزات انتخاباتی در ولسوالی پنجشير

با آغاز مبارزه انتخاباتی دورهٔ سيزدهم شوری، عبدالهادی کريم فرزند وطن پرست و ترقی‌خواه کشور نيز به‌منظور بيداری خلق مبارزه در راه تحقق آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و تأمين دموکراسی در تحت پرچم جريان دموكراتيك خلق افغانستان از ولسوالی پنجشير کانديد گرديده و در حيات مبارزه انتخاباتی شر کت فعال ورزيد، چنانچه بيش از دو ماه است که در ميان دره‌های هندوکش، در بين کوهستانيان بی‌زمين و کم زمين نزديك با مردم به‌صورت قانونی و پيگير و خستگی ناپذير کار، مبارزه ... ملی و ترقی‌خواهانه‌ای را در راه بيداری شعور ملی، سياسی، اجتماعی . طبقاتی مردم زحمتکش ولسوالی کوهستانی پنجشير انجام می‌دهد.

با تأسف بايد يادآور شد که مستبدين، متنفذين و مرتجعين محلی از مشاهده جريان پيروزمندانه مبارزه پارلمانی در ولسوالی پنجشير به نفع پرچمدار صديق دموكراتيك خلق افغانستان و از اينکه اکثريت بزرگی اهالی زحمتکش پنجشير شجاعانه در موضع دفاع و تائيد از فرزند راستين خويش عبدالهادی کريم قرار گرفته‌اند و آماده رأی دادن بوی می‌باشند، سخت در تلاش افتاده‌اند و هر روز به اعمال خلاف قانون و شرم آور و توطئه‌های ننگين دست می‌زنند و پيوسته سعی می‌ورزند تا اذهان توده مردم را با انواع تبليغات کثيف و زهرآگين ضد قانونی، ضد ملی و ضد دموکراتيك مشوب بسازند و در نتيجه آزادی‌های مصرح در قانون اساسی را پايمال منافع خويش نمايند.

مشهود است که بعضی ازين عناصر متنفذ محلی که به اصول و پرنسيپ انسانی و شايسته پابندی ندارند صورت عيان و سوء استفاده از موقف خويش عکس‌های عبدالهادی کريم را نامردانه پاره می‌کنند و بر ضد وی تبليغات سوء و مخالف کرامت انسانی می‌نمايند و مردم شريف پنجشير را که مصمم هستند برای کانديد خويش عبدالهادی کريم رأی دهند مورد تهديد و تخويف قرار می‌دهند. چون اين‌همه دسايس عناصر تاريخ زده در اهالی نجيب پنجشير مؤثر نيفتاد، لذا به بوروکراسی و عناصر دفتری توسل جستند به اين معنی که فهرست‌های ناقص، قليل و درهم و برهمی پايهٔ رأی گيری قرار گرفت. جريان انتخابات برای مشرانوجرگه در پنجشير نشان داد که اسمای اکثريت بزرگی رأی دهندگان اهالی پنجشير ثبت نگرديده است و عملاً محروم از حق رأی دهی گرديده‌اند و اين وضع ضد قانونی و ضد دموکراتيك در جلو چشمان باز رئيس محکمه کاپيسا عملاً صورت گرفته است و اسناد ثقه و تحريری نيز در دست است که هيأت کميته محلی انتخابات ولسوالی پنجشير جريان واقعی اين وضع را ضمن يادداشتی به کميته مرکزی نظارت انتخابات اطلاع داده است ولی به اعتراضات و خواست‌های دموکراتيك مردم پاسخ مثبت داده نشد.

واقعيت تلخ و سر سخت اينست که تا مناسبات اجتماعی - اقتصادی فئودالی افغانستان محو نگردد و جای بيروکراسی فرتوت کنونی را يك اداره سالم و دموکراتيک نگيرد حتی تطبيق آزادی‌های مصرح در قانون اساسی کنونی به موانع بزرگی بر می‌خورد.

بهر حال آنچه مسلم است کانديدهای جريان دموکراتيک خلق افغانستان من‌جمله عبدالهادی کريم از رأی اکثريت اهالی زحمتکش حوزه‌های مربوط خويش برخوردارند که ما در شماره‌های آينده پرچم گزارش مبارزات انتخاباتی آن‌ها را نشر خواهيم کرد و پرده از روی حقايق انتخابات شرايط فئودالی کشور بر داشته خواهد شد.

توجه!

افراد ژاندارم و پوليس که از طرف مقام ولايت جوزجان بنام حفظ نظم و امنيت در جريان انتخابات در ولسوالی سرپل جوزجان مؤظف گرديده‌اند، شايد بنا به دستوری که گرفته‌اند، موجب نفاق ميان مردم زحمتکش و وطن‌پرست ولسوالی سرپل می‌گردند و کسانی را که می‌خواهند آزادانه و خارج از تحت نفوذ و تأثير متنفذين محلی رأی بدهند به‌طور غيرقانونی تهديد و تخويف می‌نمايند. هر گاه در جريان انتخابات برای ولسی‌جرگه نيز وضع بدين منوال دوام کند، مسؤول عواقب ناگوار آن گردانندگان امور خواهند بود.

۳۰ سال از آغاز جنگ جهانی دوم گذشت

به مناسبت ۳۰ سال آغاز جنگ جهانی دوم ميتينگی در وارسا تشکيل شده بود که در آن رئيس جمهور چکوسلواکيا نيز شرکت داشت.

درين ميتينگ رئيس جمهور پولند گفت: «به همه معلوم است قوای اتحاد شوروی در زمان جنگی ستون فقرات قوای آلمان هيتلری را شکست و آن را منهدم ساخت.

سرحدات فعلی پولند سرحدات صلح و آزادی است و غيرقابل تغيير می‌باشد و به هيچ‌کس و هيچ قوای اجازه داده نخواهد شد تا اين سرحدات صلح را به نفع خود تغيير بدهند.»

سوابودا رئيس جمهور چکوسلواکيا درين ميتينگی اظهار نمود: گناه امپرياليزم بود که جنگ جهانی دوم را شروع کردند. آن‌ها فکر می‌کردند با يورش قوای هيتلری جانب شوروی - رژيم شوروی را سرنگون سازند مگر خود ايشان صدمه‌های زيادی را متحمل شدند. کشور جوان پولند مورد صدمات بزرگی واقع شد.

رئيس کميته جوانان دموکراتيک در وارسا اظهار داشت: «جوانان متحد شوند تا ديگر در جهان ما کوره‌های آدم سوزی به وجود نيايد.»

در دوران جنگ گذشته در حدود ۴ مليون از مردم پولند در کوره‌های آدمسوزی آلمان هيتلری از بين رفتند. جوانان اروپا بچشم سر کوره‌ها و جاهای را که آلمان هيتلری در تاريخ بشريت بزرگترين و خطرناکترين جنايات را در آنجاها انجام داده‌اند، ملاحظه کردند.

آلمان غرب مرکز تجمع اسلحه هسته‌یی و میکروبی شده است

وزارت خارجه جمهوريت دموکراتيک آلمان يادداشت اعتراضيه عنوانی حکومت آلمان فدرال فرستاده و در آن نسبت توسعه فابريکات توليد اسلحه ميکروبی و کيمياوی در آلمان غرب، شديداً اعتراض کرده است.

در يادداشت گفته می‌شود که فعلاً ۸۰ فابريکه مشغول ساختن اين‌گونه اسلحه در آلمان غرب می‌باشد.

حزب کمونيست آلمان غرب به مناسبت اينکه سی سال از آغاز جنگ جهانی دوم می‌گذرد طی اعلاميه‌ای گفته است که: در آلمان غرب باز همان نيروها که هيتلر را بر سر اقتدار آوردند به وجود آمده‌اند و از فعاليت آشکار آن‌ها جلو گيری نمی‌شود. آلمان غرب سرحدات اروپا را به رسميت نمی‌شناسد و از شناسايی آلمان دموکراتيك (آلمان شرق) خودداری می‌کند. آلمان غرب بايد از تاريخ درس عبرت بگيرد.

اعتراض وزارت خارجه جمهوریت دموکراتیک ویتنام

نطاق وزارت خارجه جمهوری دموکراتيک ويتنام نسبت اينکه قوای امريکا به تاريخ ۳۰ اگست از خشکه و از بحر دو قريه ويتنام شمالی را در منطقه مين لين بمبارد کرده است ايالات متحده امريکا را شديداً مورد اعتراض قرار داد.

در اثر اين گلوله باری تلفات جانی و خسارات مالی به اهل قريه وارد گرديده است. وزارت خارجه جمهوری دموکراتيك ويتنام خواسته است که ايالات متحده امريکا به چنين تجاوزات بر حاکميت و امنيت جمهوری دموکراتيك ويتنام خاتمه دهد.

بقیه از صفحه اول

فرزند کبیر خلق ...

۱۹۴۵ در رأس دولت مؤقت ويتنام قرار گرفت.

داکتر هوچی من در سال ۱۹۴۶ نهضت ضد استعمار فرانسه را از هانگانگ رهنمايی می‌کرد و مردم هند چين را به مبارزه عليه استعمارگران فرانسوی دعوت می‌نمود. به سرکردگی هوچی من بود که به نيروهای استعماری فرانسه شکست عظيمی در دين بين فو وارد آمد در نتيجه آن ويتنام در سال ۱۹۵۴ در کنفرانس ژنيو تقسيم شد.

بعد از حصول استقلال، داکتر هوچی من به حيث رهبر بزرگ و رئيس جمهور ويتنام دموکراتيك (ويتنام شمالی) انتخاب گرديد و بعداً عليه اشغالگران امريکايی مبارزه خلق ويتنام را رهبری می‌کرد.

خلق ويتنام در تحت رهبری فرزند کبير خود داکتر هوچی من انقلابی بزرگ و رهبر بزرگ چه در ساحه اجتماعی و اقتصادی و چه در ميدان کارزار به ترقيات و پيروزی‌های عظيمی نايل گرديد.

خبر المناک درگذشت اين وطن پرست بزرگ و مبارز صديق راه آزادی و وحدت مجدد ويتنام مايه تأثر عميق ماست. ما به سبب اين ضايعه بزرگی صميمانه‌ترين احساس همدردی و تسليت خود را به خلق قهرمان ويتنام و تمام نيروهای مبارز تقديم می‌داريم.

نام داکتر هوچی من در نظر ما مظهر وطن‌پرستی پرشور و پيکار دلاورانه عليه امپرياليزم در راه صلح، دموکراسی و آزادی خلق‌های تحت ستم و سوسياليزم است.

اجرای فعالیت‌های جاسوسی در زیر پرده بشردوستی

حکومت چيلی «۸۰» نفر از جمله يك گروپ ۱۷۸ نفری پيسکورهای امريکايی را که زير پرده بشردوستی مصروف امور جاسوسی بودند امر کرده است که به تاريخ ۲۳ اگست خاك چيلی را ترك گويند. اين فيصله به تعقيب يک افشاگری از طرف نمايندگان کانگرس چيلی به عمل آمد. کانگرس چيلی يادداشتی را که رهبری «پيسکورها» به حيث اتباع چيلی به گماشتگان خود ارسال کرده بود برملا ساخت. در يادداشت از گماشتگان خواسته شده است که راجع به احزاب، گروه‌ها، محصلان دست چپ و اشخاصی که ايالات متحده امريکا را انتقاد می‌نمايند، مأمورين ملکی، فابريکات عمده صناعتی و منابع معدنی در کشورهای امريکای لاتين معلومات جمع کنند. نماينده حزب کمونيست «لويس فيچروا» حقايق زيادی را راجع به مداخله صريح پيسکورها در امور داخلی کشورهای امريکای لاتين ذکر نمود. کانگرس چيلی کميسيونی را جهت تحقيق فعاليت‌های رضاکاران «پيسکور» تعيين نمود. در جريان تحقيق حقايق جديدی راجع به فعاليت‌های جاسوسی و فاسد کننده رضاکاران پيسکور که در بسياری از شعب رسمی چيلی نفوذ نموده‌اند کشف گرديد. افشای اين فعاليت‌ها که برای منافع ملی بسيار خطرناک می‌باشد اضطراب و خشم در مردم چيلی به وجود آورده است؛ زيرا سه سال قبل اولياي امور چيلی پلانی را فاش ساختند که استخبارات ايالات متحده امريکا به‌منظور استعمال مؤسسات تعليمی غرض جمع آوری معلومات استخباراتی طرح نموده بود. ادامه چنين فعاليت‌های جاسوسی در اين وقت تحت پرده دروغين «پيسکور» نه تنها موضوع بی‌احترامی به حقوق مردم چيلی بلکه تجاوز صريح بر حقوق ايشان نيز می‌باشد. ولی مردم چيلی ديگر نمی‌خواهند اين وضع را تحمل کنند. فيصله حکومت چيلی نشان می‌دهد که اجنت‌های اجنبی با جواب دندان شکن مواجه گرديد.

بقیه از صفحه اول

انهدام یک پایگاه دیگر ...

که در مرحله اول رئيس قوای عسکری و رئيس پوليس تريپولی دستگير گرديدند.

رهبر کودتای ليبيا شخصی بنام سعدالدين می‌باشد. اطلاع می‌رساند که کشورهای اتحاد شوروی، جمهوريت عربی متحد، سوريه، عراق، الجزاير، يمن جنوبی و اخيراً تونس و لبنان، انگلستان و ايتاليا نيز رژيم جديد ليبيا را به رسميت شناخته‌اند. رئيس جمهور آلمان شرق (آلمان دموکراتيك) به رژيم جديد در ليبيا اطلاع داده است که جمهوريت دموکراتيک آلمان آن دولت را به رسميت شناخته و آرزو دارد روابط دوستانه برقرار نمايد و کمک‌های اقتصادی و مالی به کشور ليبيا مبذول دارد.

جبهه آزادی بخش ملی فلسطين نيز طرفداری خود را از رژيم جديد ليبيا اعلان کرده است.

وليعهد ليبيا نيز طرفداری خود را از رژيم جديد ابلاغ کرده است.

ليبيا کشوريست در شمال افريقا که با جمهوريت عربی متحد سودان، الجزاير، تونس، جمهوری چاد و نايجيريا سرحدات مشترك دارد. مساحت آن يك مليون و هفتاد و پنج هزار کيلومتر مربع است و نفوس آن اندکی بيشتر از يک و نيم مليون نفر می‌باشد

در ليبيا سه پايگاه نظامی انگلستان و يك پايگاه بزرگ امريکا وجود دارد.

کشور ليبيا از نگاه منابع يکی از غنی‌ترين کشورهای عربی است که سالانه ۵۰۰ مليون دالر عايد از درک فروش نفت به دست می‌آورد، مگر باوجود اين عايد سرشار بازهم مردم ليبيا به فقر و تنگدستی دچار اند.

از پايتخت کشور ليبيا اطلاع می‌رسد که آرامش کلی در آن کشور وجود دارد. به‌فرمان شورای انقلابی کار پارلمان موقتاً تعطيل شده است. شورای انقلابی اعلام کرده است هرکسی از در مخالفت با رژيم جديد برخيزد به‌سختی مجازات می‌شود.

رژيم جديد اعلان کرده است؛ که عليه استعماريون و نژادپرستی مبارزه خواهد کرد.

رويتر اطلاع می‌دهد که نماينده شاه سابق ليبيا از يونان به لندن رسيد و با وزير خارجه انگلستان برای بيست دقيقه ملاقات کرد. طوری که معلوم می‌شود شاه سابق از دولت انگليسی تقاضای کمك را نموده است و هم از انگلستان تقاضا شده تا رژيم جديد را به رسميت نشناسد. تحول جديد در ليبيا نگرانی، تشويش را برای آلمان غرب وجود آورده است. ليبيا ۴۰ فيصد مصارف نفت آلمان غرب را تهيه می‌کند.

يک عضو شورای انقلابی پس از ملاقات با نمايندگان سياسی انگلستان و شوروی اطلاع داد که رژيم جديد به قراردادهای ليبيا وفادار خواهد ماند.

پرچم

ناشر انديشه های دموکراتيک خلق افغانستان

صاحب امتياز : سليمان لايق

مدير مسؤول: مير اکبر خيبر

آدرس: محمد جانخان واټ ــ زرلبنت ماركيت

تيلفون: ۲۳۱۶۴

قيمت: ۲/۵ افغانی

مطبعه دولتی

تايپ متن قاسم آسمايی، ويرايش جديد: عمر فيض

عمر فیض - آرشیف پرچم چهارده ساله زمین نگاشته شد